

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی

## پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی

### ترجمه و واژه‌نامه‌ی سه‌زبان‌هی زند-اوستا-فارسی

#### یسن ۲۸

استاد راهنما

دکتر کتابیون مزداپور

استاد مشاور

دکتر منظر رحیمی ایمن

پژوهشگر

نجمه پرویزی

خرداد ۱۳۸۹

تقدیم به پدر و مادر بزرگوارم

## به نام آنکه آسمان به رنگ مهربانی اوست

اکنون که به لطف خداوند کار این رساله به پایان رسید، بر خود واجب می‌دانم که احترامات خالصانه‌ی خود را به اساتید راهنمایم سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور و مشاورم سرکار خانم دکتر منظر رحیمی‌ایمن، که با ارشادات و راهنمایی‌های بسیار ارزشمندشان در تمام مراحل تحصیل و همچنین در حین انجام پایان‌نامه مرا یاری فرموده‌اند، صادقانه سپاسگزاری نموده و خود را همیشه مدیون لطف ایشان می‌دانم.

در این راه شایسته است از زحمات و کمک‌های دوست بسیار خوبم جناب آقای دکتر مهدی مشکریز، که در تمام مراحل نگارش پایان‌نامه با صبر، دقت نظر و راهنمایی‌های حکیمانه‌شان مرا مورد لطف و حمایت بی‌دریغ خود قرار دادند، صمیمانه تشکر کنم.

از اساتید مدعو سرکار خانم دکتر فاطمه جدلی و سرکار خانم دکتر امید بهبهانی کمال تشکر را دارم.

از مدیریت محترم گروه و همچنین معاون ایشان به دلیل مساعی در انجام امور پایان‌نامه تشکر می‌کنم.

از دیگر اساتید گروه که در دوران تحصیل از محضر درس این سروران سود جسته و از راهنمایی‌های این عزیزان بهره‌مند گشته‌ام، خالصانه تشکر می‌نمایم.

از دوست خوبم خانم الهام قلعه‌قوند برای ویرایش این پایان‌نامه سپاسگزارم.

از دوستان عزیزم الهام صالحی و فرهاد حیرانی که در طی تحصیلات این جانب متحمل زحمات و مشکلات فراوان شده‌اند، صمیمانه تشکر می‌نمایم. چه بسا این قدردانی نمی‌تواند ذره‌ای از فداکاری‌های ایشان را جبران نماید.

در خاتمه از مادر مهربان و دلسوزم به خاطر تشویق و دلگرمی‌های همیشگی‌اش، صبر، بردباری و محبت‌های بی‌پایانش بسیار سپاسگزارم؛ بر دستانش بوسه می‌زنم و محتاج دعای خیرش هستم.

همچنین از خواهرانم، به ویژه محبوبه، برای تمام کمک‌ها و تشویق‌هایش کمال تشکر را دارم.

نجمه پرویزی

خرداد ۱۳۸۹

## چکیده

عنوان این پایان‌نامه «ترجمه و واژه‌نامه‌ی سه‌زبان‌ه‌ی زند-اوستا-فارسی یسن ۲۸» می‌باشد. در این پایان‌نامه متن اوستایی و متن زند (=فارسی میانه‌ی زردشتی) یسن ۲۸، که نخستین یسن از گاه «اهونودگاه» است، ترجمه و بررسی شده است. این پایان‌نامه دارای بخش‌های زیر است:

مقدمه، شامل مطالبی درباره‌ی گاهان، اهنودگاه، یسن ۲۸ و نیز توضیحاتی درباره‌ی زند گاهان، دلایل تفاوت متن اوستایی و متن زند، روش کار و کارها و پژوهش‌های پیشین.

متن اوستایی «یسن ۲۸» ویراسته‌ی گلدنر، حرف‌نویسی متن اوستایی و یادداشت‌های آن و ترجمه‌ی متن اوستایی. متن زند «یسن ۲۸» ویراسته‌ی دابار، آوانگاری متن زند و ترجمه‌ی فارسی آن و یادداشت‌هایی که بیانگر دلایل تفاوت متن اوستایی با متن زند است.

بخش‌های دیگر پایان‌نامه در بر گیرنده‌ی واژه‌نامه‌ی سه‌زبان‌ه، کتاب‌نامه و چکیده به زبان انگلیسی می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اوستا، زند، زبان، پهلوی، یسن ۲۸، گاهان، ترجمه، آوانویسی، واژه‌نامه

## فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه	
-گاهان و اهونودگاه	۹
-زند گاهان	۱۲
-دلایل تفاوت متن اوستایی با متن زند	۱۴
-روش کار	۱۵
-کارها و پژوهش‌های پیشین	۱۸
متن اوستایی، حرف‌نویسی و یادداشت‌های آن	۲۰
ترجمه‌ی فارسی متن اوستایی	۲۳
متن زند و آوانویسی آن	۳۰
ترجمه‌ی فارسی متن زند و یادداشت‌های آن	۴۱
درباره‌ی واژه‌نامه‌ی سه‌زبانه	۵۳
واژه‌نامه	۵۴
اصطلاحات دستوری انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی	۹۰
کتابنامه	۹۸
چکیده‌ی انگلیسی	۱۰۰

## مقدمه

### \_ گاهان

کهن‌ترین نوشته‌ای که از ایرانیان به جای مانده، گاهان است. گاهان که به معنی

«سرودها» است و منظوم به نظم هجایی است، سروده‌ی زرتشت است و او حدود هزار سال پیش از

میلاد مسیح زندگی می‌کرده است. گاهان بخشی از «یسن‌ها» است. یسن‌ها، که بخشی از اوستاست،

۷۲ «هات» دارد. هات به معنی «فصل» است. گاهان، که ۱۷ هات از یسن‌هاست، از پنج گاه تشکیل

شده است.

گاه نخست هفت هات از هات‌های یسن‌هاست، یعنی از هات ۲۸ تا هات ۳۴. این گاه

«اهونودگاه» نامیده شده است. گاه دوم چهار هات از هات‌های یسن‌هاست، یعنی از هات ۴۳ تا

۴۶. این گاه «اُشتودگاه» نامیده شده است. گاه سوم چهار هات از هات‌های یسن‌هاست، یعنی از

هات ۴۷ تا هات ۵۰. این گاه «سپنمدگاه» نامیده شده است.

گاه چهارم هات ۵۱ یسن‌هاست. این گاه «وهوخشترگاه» نامیده شده است.

گاه پنجم هات ۵۲ یسن‌هاست. این گاه «وهیشتوایشترگاه» نامیده شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳:

۸-۱۰).

گاهان قدیم‌ترین بخش اوستاست و کهن‌ترین منظومه‌ی ادبی ایرانی است که صرف نظر از

جنبه‌ی هنری، به سبب در بر داشتن اندیشه‌های اصیل دین زردشت، اهمیت بسیار دارد؛ اما فهم

گاهان از چند جهت دشوار است:



۱. شماری از واژه‌های آن تنها یک‌بار به کار رفته یا از نظر ریشه و معنا نامشخص و پی

بردن به معنی دقیق آن‌ها بسیار دشوار است.

۲. مشکلات دستوری دارد.

۳. زبان آن کنایی و استعاری و در نهایت ایجاز است و بازگشایی رمزهای آن به سادگی

امکان ندارد.

۴. اندیشه‌ها و تفکرات اندیشمندی بزرگ است که در پوشش زبانی پر از تمثیل و آرایه‌های

معنوی به کار رفته است و تفسیرهای گوناگون برمی‌تابد.

نیبرگ می‌گوید: «اگر سر آن داشته باشیم که گاهان را بخوانیم، یکسره به جهان دیگری، جز

آنچه که در مهریشت هست درمی‌آییم. همه چیز در اینجا کهنه‌تر و ناپیداتر از آنجاست. دورنمای

جغرافیایی در این متن‌های دینی، که همه چیز در آن‌ها پیرامون مرکز دین می‌گردد، در میان نیست.

زبان بسی باستانی‌تر و همگی سبک آن از گونه‌ی دیگر است. در اینجا ما با شعر یک‌دست آریایی

باستان سر و کار داریم؛ شعری که از نظر فنی به ریگ‌ودا<sup>۱</sup> نزدیک می‌شود و یک فرگشت دور و

درازی را پشت سر گذاشته است. گاهان دارای یک شکل و قالب منظوم استوار و یک زبان هنری

است با بافت واژه‌های هنرمندانه و قواعدی معین» (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۸۹-۹۰).

امروزه تقریباً همه‌ی دانشمندان متفق‌القول‌اند که گاهان (گائاه‌ها) اثر مشخص زردشت است یا

به دوره‌ی بسیار نزدیکی به عهد وی تعلق دارد. لیکن از تحقیق در زبان گاهان نمی‌توان نتایج

اطمینان بخشی به دست آورد. گلدنر<sup>۲</sup> و بارتولومه<sup>۳</sup> جداً از تعیین سرزمینی که زبان گاهان در آن متداول بوده است خودداری می کنند.

آندراس<sup>۴</sup> چنین می پندارد که گاهان در زمان متأخری در ایران شرقی انشا شده است.

بارتولومه دلایلی را که سابقاً در باب انشای گاهان به زبان مادی اقامه شده بود، رد کرده و اخیراً تدسکو<sup>۵</sup> نظریه‌ی انتساب دو لهجه‌ی اوستایی را به نواحی غربی تجدید نموده است. ولی چند اثر ایران غربی که او در زبان اوستایی نشان می دهد با امکان اینکه زبان اوستایی از مشرق ایران است مانع‌الجمع نیست، زیرا ممکن است بعضی از عناصر لهجه‌های ایران غربی و برخی از خصایص نحوی متعلق به آن‌ها در ضمن تدوین گاهان و یشت‌های قدیم، که به دست روحانیان مادی در عصر هخامنشی صورت گرفته، وارد آن‌ها شده باشد؛ چنان‌که در روزگاران بعد هنگام تدوین اوستا در عهد اشکانی برخی از آثار لهجه‌های میانه‌ی ایران در آن‌ها راه یافته است، مثل آوردن خوشه‌ی صوتی *uhr* به جای *utr* و افزودن حروف اضافی در میان کلمه (کریستن سن، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱).

گاهان جمع گاه (در اوستا گائا، به معنی سرود) قدیم‌ترین بخش از اوستاست و کهن‌ترین اثر ادبی ایرانی است که بر جای مانده است. سراینده‌ی این سرودها خود زردشت است، چنان‌که در شش تا از گاهان سراینده به عنوان اوّل شخص از خود یاد می کند. این سرودها نه تنها از نظر ادبی، بلکه از جهت در بر داشتن تفکرات نوین آن روزگاران اهمّیت به‌سزایی دارد و نشان‌دهنده‌ی عقاید اصلی زردشت است.

- 
1. Geldner
  2. Bartholomae
  3. Andreas
  4. Tedesco

دشواری سرودهای زردشت تنها به سبب وجود تعداد بسیاری لغت ناشناخته نیست، بلکه مشکل اساسی عدم آشنایی کامل ما با اندیشه‌های اوست. زبان شعر نیز خود بر پیچیدگی مطلب می‌افزاید و مشکلات دستوری نیز در این امر بی‌تأثیر نیست.

## – زند گاهان

ترجمه‌ی گاهان به زبان پهلوی (فارسی میانه‌ی زردشتی) در دست است و در موارد نادری می‌تواند به فهم بهتر گاهان کمک کند؛ زیرا در عهد ساسانی به سبب گذشت زمان، فهم زبان گاهان برای موبدان زردشتی دشوار و گاه ناممکن بوده است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۸).

همان‌طور که گفته شد، ترجمه و تفسیر گاهان به زبان پهلوی موجود است که اصطلاحاً

«زند» خوانده می‌شود. اما این ترجمه نیز، که در دوران ساسانی انجام گرفته است، به سبب فاصله‌ی زمانی و تفسیرهای مختلف موبدان و مفسران زردشتی از کلام گاهانی، کمک مؤثری به فهم بهتر آن نمی‌کند.

ترجمه‌ی گاهان تحت‌اللفظی است و هر واژه‌ی اوستایی به یک واژه‌ی زند (پهلوی) برگردان شده است و نتیجه‌ی کار نه ساخت دستوری زبان مبدأ یعنی اوستا، و نه زبان مقصد یعنی پهلوی را دارد. با این همه، زندگاهان از دو نظر درخور توجه است:

۱. بازشناسی واژه‌ها و عباراتی که برگردان از اوستا هستند و از طریق زند به متون پهلوی راه یافته‌اند. با کمک این دسته از واژه‌ها و عبارات، فهم این‌گونه متون آسان‌تر می‌شود.
۲. پی بردن به برداشت‌های مترجمان و مفسران پهلوی از متن گاهانی.

از نظر ساختمان، شعر گاهانی شباهتی به اشعار ودایی دارد. هر سرود دارای بندهایی است و هر بند ابیاتی را با تعداد ثابتی هجا دربردارد.

گاهان را به پنج بخش تقسیم کرده‌اند و هر یک از بخش‌ها دارای فصولی است که به پهلوی «هات» یا «هاد» (مشتق از واژه‌ی اوستایی *hit-*) و به فارسی «ها» نامیده می‌شود. نام‌های این پنج گاهان از نخستین کلمات هر بخش گرفته شده است و همه صورت پهلوی دارند.

اهونودگاه (یسن ۲۸ تا ۳۴) نخستین گاه از پنج گاهان را تشکیل می‌دهد و دارای هفت ها (=فصل) به ترتیب مشتمل بر ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۲۲، ۱۶، ۱۴، ۱۵ بند است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۳۸).

اهونود در اوستایی *ahunavaitī* است. *ahunavaitī* دارای *ahuna* و این واژه دارای *ūhā* معنی می‌دهد.

*ahuna* نام بند ۱۳ یسن ۲۷ است. در این بند واژه‌ی *ahū*، که به معنی «مولی، سرور» است، به کار رفته است. بند ۱۳ یسن ۲۷ دعای *yaθā ahū* را دربردارد. این بند ظاهراً در اصل در آغاز گاه نخست قرار داشته و بدین سبب این گاه «اهونودگاه» نامیده شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۸).

به نظر گرشویچ<sup>۶</sup> به رغم ابهامات واژگانی، صرفی و نحوی و پیچیدگی زبان شعری گاهان، عقاید رفیع و والای زردشت از میان این اشعار غنایی مذهبی که برای بیان اندیشه‌ای روشن و انسانی و تحوّل‌ی در اندیشه و تفکر، در قالبی زیبا و لطیف سروده شده، مشهود است (زرشناس، ۱۳۸۲: ۲۴).

لازم به ذکر است در هیچ‌یک از یسن‌های گاهان، آن‌طور که به ما رسیده است، نظمی که برای آن ذکر شده، مراعات نشده است. در یسن‌هایی که مصراع اول باید هفت هجا داشته باشد، هشت هجا دارد و مصراع دوم که باید نه هجا داشته باشد، هشت هجا دارد.

این بی‌نظمی بر اثر تغییری است که در تلفظ برخی از لغات به وجود آمده است. تغییر تلفظ برخی از واژه‌ها به این دلیل است که هنگام ثبت آن‌ها، زبان گاهانی زبانی مرده بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۶۶-۴۷).

گاه نخست گاهان، یعنی «اهونودگاه»، از پاره‌های سه‌بیتی تشکیل شده است. هر بیت ۱۶ هجا دارد. ۷ هجا در مصراع اول و ۹ هجا در مصراع دوم آمده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۸).  
به عبارت دیگر:<sup>۷</sup>

۷+۹ ، ۷+۹ ، ۷+۹

### – دلایل تفاوت متن اوستایی با متن زند

متن زند گاهان با متن اوستایی آن در موارد متعددی دارای اختلاف است. صرف‌نظر از آنکه ترجمه‌ی گاهان در دوره‌ی ساسانی در زمانی صورت گرفته است که به سبب گذشت زمان بسیار، فهم اوستای گاهانی برای موبدان زردشتی سخت دشوار و گاه ناممکن شده بود، دلیل دیگری که باعث تفاوت متن اوستایی با متن زند شده، وجه اشتقاقی است که موبدان و مفسران زند برای واژه‌های فارسی میانه می‌پنداشته‌اند. به عبارت دیگر، مفسر زند بسیاری از واژه‌های اوستایی را به

---

۱. برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به:

Humbach, Helmut. 1991. *The Gāthās of Zarathushtra*. vol II. Heidelberg.

سبب شکل ظاهری واژه و با توجه به وجه اشتقاقی که برای واژه‌ها تصور کرده به فارسی میانه برگردانده است و همین امر سبب بروز اختلاف متن اوستایی و متن زند شده است.

در بخش یادداشت‌های برگردان فارسی متن زند به این اختلافات اشاره می‌شود.

## - روش کار

ترجمه و بررسی متن اوستای گاهانی و زند یسن ۲۸ به عنوان پایان‌نامه، نخستین بار است که به صورت حاضر ارائه می‌گردد. به ویژه تدوین و ارائه‌ی واژه‌نامه‌ی سه‌زبان‌ی زند - اوستا - فارسی یسن ۲۸ به این شکل، پیش‌تر ارائه نشده است و ارائه‌ی آن به این صورت بدان سبب است که شیوه‌ی به کار گرفته شده در یافتن معادل دقیق اوستایی واژه‌ی زند بسیار سودمند واقع می‌گردد.

این کار، که در حقیقت در زمینه‌ی اوستاپژوهی و زندپژوهی جای می‌گیرد، از سبک و سیاق مشخصی پیروی نموده است و به ویژه در شکل ظاهری و ترتیب و توالی فصول، دنباله‌ی دیگر کاری است که در زمینه‌ی اوستاپژوهی و زندپژوهی و در قالب پایان‌نامه پیش از این توسط آقای مهدی مُشک‌ریز ارائه شده است (مشک‌ریز، ۱۳۸۶).

این پایان‌نامه دارای بخش‌های زیر است:

بخش نخست شامل متن اوستایی یسن ۲۸ و حرف‌نویسی آن به شیوه‌ی پیشنهادی کارل

هوفمان<sup>۹</sup> است و متن اوستایی در این بررسی متنی است که گلدنر آن را تهیه کرده و به چاپ رسانده است.

---

<sup>۹</sup>. Karl Hoffmann



<sup>۹</sup>. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

حرف‌نویسی متن اوستایی بر اساس متن گلندر است (گلندر، ۱۹۸۹). اما اگر احتمالاً تغییراتی اندک بر اساس قرائت بارتولومه در آن صورت گرفته یا نظر دیگر اوستاشناسان داده شده باشد، در پانوشت حرف‌نویسی متن اوستایی به آن‌ها اشاره شده است (بارتولومه، ۱۹۶۱).

بخش دوم شامل برگردان متن اوستایی است. با توجه به ویژگی‌های دستوری اوستا، سعی بر آن بوده است که متن با رعایت حالات دستوری به فارسی برگردانده شود.

اگرچه در ترجمه‌ی متن اوستایی به فارسی، متن اوستایی ملاک قرار گرفته است و حالت‌های دستوری واژه‌های اوستایی و وجه افعال در ترجمه‌ی فارسی دخالت داده شده، در عین حال تلاش شده است تا ترجمه‌ی فارسی روان و گویا باشد.

در ترجمه‌ی متن اوستایی به فارسی، ترجمه‌ی انگلیسی اینسلر<sup>۱۰</sup> (اینسلر، ۱۹۷۶) و ترجمه‌ی انگلیسی و آلمانی هومباخ<sup>۱۱</sup> (هومباخ، ۱۹۹۱)، ترجمه‌ی فارسی پوردادود (پوردادود، ۱۳۳۹) و در مواردی ترجمه‌ی فرانسوی کلنز<sup>۱۲</sup> (کلنز، ۱۹۸۸-۱۹۹۱) نیز دیده شده است و از آن‌ها استفاده شده است و در بخش «یادداشت‌ها»ی ترجمه‌ی فارسی به بعضی موارد تفاوت ترجمه‌ی افراد نام‌برده نیز اشاره شده است.

شایان ذکر است جناب آقای دکتر ابوالقاسمی در ترجمه‌ی فارسی «یسن ۵۳»، واژه‌های اوستایی *spəntā- ārmaitī-* و *Vohu- manah- aša-* را به «راستی»، «اندیشه‌ی نیک» و «فروتنی» برگردانده و این واژه‌ها را صفات اهوره‌مزدا دانسته‌اند. ما نیز در اینجا به جای «آشه»،

---

- Hoffmann, Karl. "The Avestan Script". *Encyclopedia Iranica III*.

- \_\_\_\_\_, ۱۹۷۵. *Zum Zeicheninventor der Avesta-Schrift. Aufsätze zur Indo iranistik*,

Bd I. Dr. Ludwig Reichert Verlag.

<sup>۱۰</sup>. Insler

<sup>۱۱</sup>. Humbach

<sup>۱۲</sup>. Kellens

«بهمن» و «سپندارمد» به تبعیت از ایشان از معادل‌های «راستی»، «اندیشه‌ی نیک» و «درست‌اندیشی/فروتنی» استفاده کرده‌ایم.

بخش سوم در بر گیرنده‌ی آوانویسی متن زند (فارسی میانه) به شیوه‌ی دیوید نیل مکنزی<sup>۱۳</sup> است. متن زندی که مورد استفاده واقع شده، متنی است که دابار<sup>۱۴</sup> آن را در کتابی تحت عنوان «یسن و ویسپرد پهلوی» گردآوری کرده است (دابار، ۱۹۴۹).

بخش چهارم برگردان فارسی متن زند است. در برگردان متن زند نیز سعی بر آن بوده است تا ترجمه‌ای نزدیک به متن ارائه شود. دنباله‌ی این بخش شامل یادداشت‌هایی است که برای ترجمه‌ی فارسی فراهم آمده است. در این بخش بیشتر تفسیرهای مفسر زند از متن اوستایی مورد ارزیابی واقع شده و سعی شده است دلایل تفاوت متن اوستایی با متن زند تشریح گردد.

بخش پنجم واژه‌نامه‌ی سه‌زبان را در بر می‌گیرد. این واژه‌نامه بسامدی بوده و شامل تمامی واژه‌های موجود در متن زند است. بدین ترتیب که سرواژه، واژه‌ی زند است و روبروی آن حرف‌نویسی و آوانویسی و معنای واژه همراه با شماره‌ی بند و تعداد به کار رفتن آن واژه به شکل عدد کوچکی بالای سمت راست شماره‌ی بند ذکر شده است. آنگاه واژه‌ی اوستایی همراه با حالت دستوری، شمار و جنس (برای اسم و صفت) و زمان، وجه، شمار، باب (برای فعل) و سپس شماره‌ی بند متن اوستایی و تعداد به کار رفتن آن واژه در هر بند قید شده است.

در زیر واژه‌ی اوستایی ستاک برای اسم و صفت و ریشه همراه با ستاک حال، ماده‌ی سببی، ماده‌ی آغازی و ... برای فعل آمده است.

---

<sup>۱۳</sup>. Mackenzie

<sup>۱۴</sup>. Dhabhar



در این واژه‌نامه کوتاه‌نوشت (بار. + ستون) مقابل ستاک یا ریشه‌ی فعلی قرار گرفته است و بیانگر شماره‌ی صفحه‌ای است که آن واژه در فرهنگ *ایرانی باستان* بارتولومه آمده است (بارتولومه، ۱۹۶۱).

### – کارها و پژوهش‌های پیشین

کارها و پژوهش‌هایی را که پیش‌تر در مورد گاهان انجام شده است، جناب آقای دکتر ابوالقاسمی در جلد نخست کتاب *راهنمای زبان‌های باستانی ایران* به طور کامل شرح داده‌اند. <sup>۱۵</sup> در کتاب *گاهان زردشت* خود کوشیده است صورت اصلی گاهان را بازسازی کند. بازسازی وی بر اساس «تئوری لارینگال» بوده است (منا، ۱۹۷۸).

از گاهان به سبب اهمیت آن ترجمه‌ها و شرح‌های متعددی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی منتشر شده است. برخی از آن‌ها عبارتند از:

- Bartholomae, Ch. ۱۸۷۹. *Die Gāthās und heikigen Gebet des altiranischen Volkers*. Halle.
- Duchesne – Guillemin, J. 1948. *Zoroastre: Étude critique avec une traduction commentée des Gāthas*. Paris.
- Humbach, H. 1959. *Die Gāthās des Zarathushtra*. vol I-II. Heidelberg.
- ————. 1991. *The Gāthās of Zarathustra*. Vol I-II. Heidelberg.
- Insler, S. 1975. *The Gāthas of Zarathustra*. Acta Iranica 8. Leiden.

---

<sup>۱۵</sup>. Monna

-Kellens, J. et E. Pirart. 1988-1990 - 1991. *Les texts vieil-avestiques*. Vol I-II-III. Wiesbaden.

-Lommel, H. 1971. *Die Gathas des Zarathustra*. Basel-Stuttgart.

-Smith, M. W. 1929. *Studies in the Syntax of the Gathas of Zaratushtra: together with Text, Translation and Notes*. Philadelphia.

پورداد گاهان را ترجمه کرده و متن اوستایی آن را با الفبای اوستایی چاپ کرده و

واژه‌نامه‌ای برای آن تنظیم کرده است (پورداد، ۱۳۳۹ و پورداد، ۱۳۳۶).

رایخلت<sup>۱۶</sup> در کتاب *قرائت اوستا* بخش‌هایی از گاهان را با الفبای لاتینی آورده و واژه‌ها و

جمله‌های دشوار آن‌ها را ترجمه و شرح کرده است (رایخلت، ۱۹۱۱).

وی در کتاب *ابتدایی اوستایی* همه پاره‌های هات‌های ۲۹ و ۳۰ و پاره‌های از هات‌های ۴۶،

۴۸ و ۵۱ را با الفبای لاتین آورده است (رایخلت، ۱۹۰۹).

متن اوستایی گاهان با الفبای اوستایی در اوستای گلدنر (گلدنر، ۱۹۸۹) و متن فارسی میانه‌ی آن

با الفبای فارسی میانه در یسن و ویسپرد دابار آمده است (دابار، ۱۹۴۹).

---

<sup>۱۶</sup>. Reichelt

متن اوستایی و حرف‌نویسی آن

## gāθā ašaonīš

0. zaraθuštrahe spitāmahe yānīm manō yānīm vacō yānīm šiiāoθnəm  
ašaonō zaraθutrahe fērā aməšā spəntā gāθā gəuruuāin nəmō və gāθā  
ašaonīš

## ahunauuaitī gāθā

### yasna 28

1. ahiiā yāsā nəmaṅhā ustānazastō rafəðrahiā maniiəuš mazdā  
paouruuīm spəntahiiā ašā vīspəng šiiāoθanā vaṅhəuš xratūm manəṅhō yā  
xšnəuuīšā gəušcā uruuanəm

2. yə vā mazdā ahurā pairījasāi vohū manəṅhā maibiiō dāuuōi ahuuā  
astuuatascā hiiatcā manəṅhō āiiaptā ašāt hacā yāiš rapantō daidīt x<sup>v</sup>āθrē

3. yə vā ašā ufiiānī manascā vohū apaouruuīm mazdamcā ahurəm  
yaēibiiō xšaθrəmcā aγžaonuuamnəm varədaitī ārmaitiš ā mōi rafwsrāi  
zauuəng jasatā

4. yə uruuanəm mən gairē vohū dadē haθrā manəṅhā ašīšcā  
šiiāoθananam vīduš mazdā ahurahiiā yauuat isāi tauuācā auuat xsāi aēšē  
ašahiiā

5. ašā kat θβā darəsānī manascā vohū vaēdəmnō gātūmcā ahurāi  
səuuīštāi səraošəm mazdāi anā maθrā mazištəm vāurōimaidī xrafstrā  
hizuuā

6. vohū gaidī manəṅhā dāidī ašā dā darəgāiiū ərəšuuāiš tū uxδāiš  
mazdā zaraθuštrāi aojōnghuuat rafənō ahmaibiiācā ahurā yā daibišuuatō  
duuaēšā tauruuaiiāmā